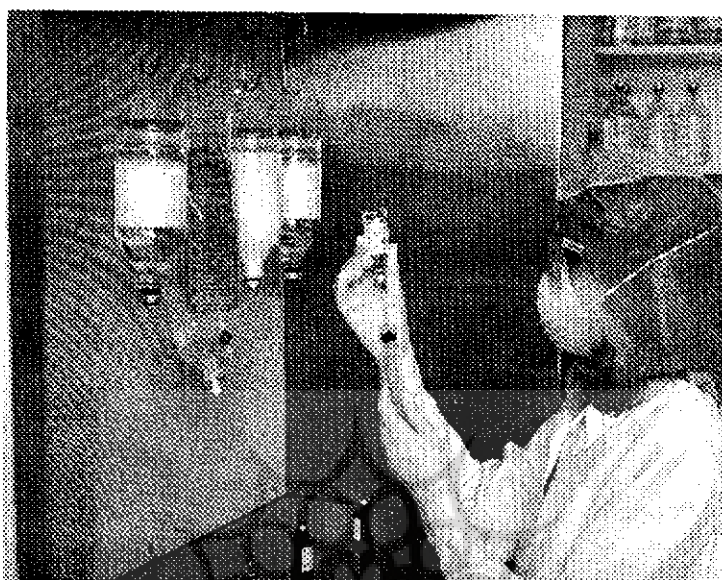


«پزشکی در ایران باستان»

پژوهشگر = دکتر هاشم محمدی (مدیر گروه ادبیات و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد گجساران)

پزشکی ۴-۱- گیتی پزشکی و پزشکی گیتی، پزشکی مادی و پیکری).

۲- بخش دوم در واقع شامل رشته یا موضوع تخصصی بود: ۲-۱- پزشکی که در درمان از کارد بهره نمی‌برد و عمل جراحی نمی‌کند. در زبان پهلوی اتاش بزشگ نامیده می‌شود atāš-bizišg



۲-۲- پزشکی که کار وی درمان قاعدگی زنان بوده. در فارسی امروزی «پزشک زنان» نامیده می‌شود. در زبان پهلوی، دشگ بزشگ (dašag-bizišg) نام داشته است.

۲-۳- پزشکی که با کارد و عمل جراحی درمان می‌کند. در زبان پارسی باستان «کارد پزشکی» و در زبان پهلوی «کارت بزشگ» (kart. bizišg) نامیده می‌شده است.

۲-۴- پزشکی که با گیاهان درمان می‌کند. امروزه آن را «داروساز» گویند. در زبان پهلوی «اورور بزشگ» (urwar-bizišg) گفته می‌شده و به آن گیاه پزشکی هم گفته‌اند.

۲-۵- پزشکی که با نیروی اراده و با بهره جستن از توانایی‌های نهادین و روش‌هایی که می‌توان آن‌ها را «فرا روانی» نامید، درمان

میان مردم باشد و مجاز به حضور در انجمن‌ها نیست. اعتقاد بر آن است که چنین کسانی نسبت به خورشید مرتکب گناهی شده‌اند.^(۱)

علم پزشکی ابتدا توسط جادوگران و نهان‌گرایان و کاهنان انجام می‌گرفت و پس از آن به مغان و موبدان و هیربدان و مقامات مذهبی ایران واگذار شده است. در ایران باستان پزشکان، پیشوایان دین و موبدان زرتشتی بودند. دانش پزشکی در قلمرو مغان و موبدان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- آن گونه از دانش و علم پزشکی که بر آسیب شناسی بیماری‌ها و چگونگی درمان آن‌ها پایه نهاده شده و خود شامل چهار قسمت می‌باشد: ۱-۱- روان پزشکی ۲-۱- مینوی پزشکی (پزشکی مینوی) ۳-۱- تن

بر پایه‌ی آثار بازمانده از دوران پیش از اسلام، علم و دانش و مقام علمی دانشمندان همیشه مورد تجلیل و تکریم بوده و مقامی بس ارجمند داشته‌اند. یکی از علوم و دانش‌های مورد علاقه که احترام و قداست خاصی برای آن قائل بودند، علم پزشکی بوده است که با روش‌های گوناگون و با استفاده از ابزارهای خاص خود به معالجه‌ی بیماران در دوران کهن می‌پرداختند.

انسان‌های اولیه وجود هرگونه امراض و بیماری را از اهریمن و ارواح خبیثه می‌دانستند و برای معالجه‌ی این نوع بیماری‌ها به نزد سال‌خورده‌گان با تجربه و کاهنان و جادوگران می‌رفتند. آنان هم با خواندن اوراد و دعاهای گوناگون و یا با انجام دادن مراسم خاصی، ارواح خبیثه یا شیطان را از بدن فرد مریض بیرون می‌راندند. هر نوع بیماری و یا نقص عضو در آن دوران نشانه‌ای اهریمنی تلقی می‌شد و کسانی که دچار چنین بیماری‌هایی می‌شدند، باید دور از دیگران زندگی کرده و در مراسم عبادت راه نداشته باشند.

«هرودت» مورخ یونانی در (کتاب اول، بند ۲۸) می‌نویسد: «هر کس که از ایرانیان به بیماری پسی دچار شود، نباید در شهر و

نداشت و همه‌ی مردم در سلامت کامل و در رفاه و خوشی بودند، اسطوره‌شناسان با توجه به متون حماسی به ویژه شاهنامه‌ی فردوسی، جمشید را کسی می‌دانند که برای نخستین بار فن پزشکی را کشف می‌کند و در واقع اولین پزشک است.

برای به دست آوردن پروانه‌ی پزشکی یک پزشک لازم بود دوره‌ی آزمایشی خود را میان دیوپرستان بگذرانند. هرگاه این پزشک می‌توانست سه دیو پرست را معالجه کرده و سلامتی را به آن‌ها بازگرداند، اجازه می‌یافت میان مزدپرستان به پیشه‌ی پزشکی بپردازد و هرگاه نمی‌توانست، برای همیشه از طبابت مزدپرستان محروم می‌شد.

یک جراح (کارد پزشک) نیز لازم بود تا کاردانی خود را میان دیوپرستان بیازماید که در صورت موفقیت می‌توانست کار خود را

«فریدون» یاری خواسته شده است، زیرا فریدون و پدرش را از نخستین پزشکان ایرانی می‌دانند.

در بند ۱۴۳ همین فروردین یشت، از نیرو و سلامتی و تندرستی برای فرزندان نیک و باهوش و توانا و زبان آور سخن می‌رود و اشخاص بیمار و نابخرد و ناقص‌العضو و روانی را نشانه‌ی اهریمن دانسته و به نیکی از آنان یاد نشده است.^(۴)

در اوردیبهشت یشت به پنج طبقه از پزشکان در ایران باستان اشاره شده و در کتاب وندیداد که یکی از بخش‌های اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان است سه نوع پزشک آمده:

الف: پزشکی که با گیاه درمان می‌کند و در واقع نماینده‌ی کشاورزان است. **ب -** پزشکی که با کلام جادویی بیماری‌ها را درمان می‌کند و نماینده روحانیت است.

ج - پزشکی که با کارد معالجه می‌کند و نماینده جنگ‌جویان و قهرمانان است. در همین کتاب اولین پزشک را تریث یا تریث، پدر گرشاسب ذکر کرده است که اولین پزشک درمان‌کننده نوع بشر است.^(۵) در بعضی از متون پهلوی پدر فریدون و یا خود فریدون را نخستین پزشک یاد کرده‌اند.

از آن جایی که در دوران جمشید پادشاه پیشدادی هیچ نوع بیماری و درد و رنج و گرفتاری وجود

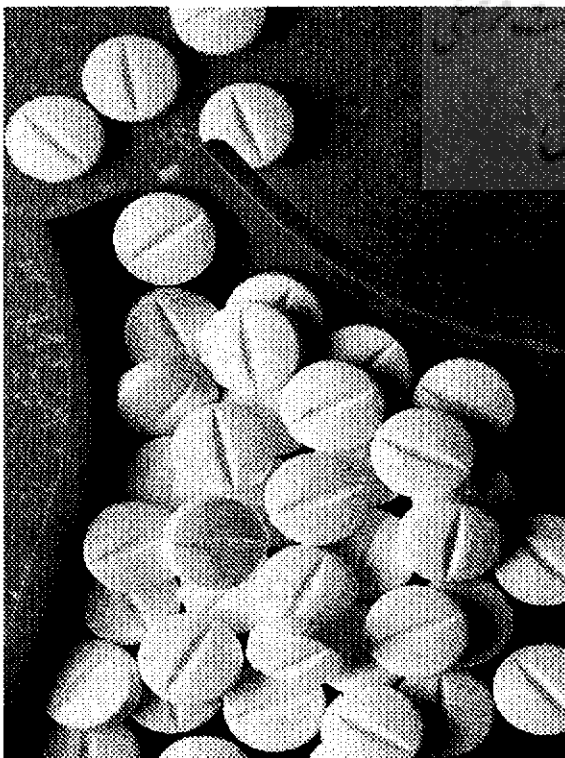
می‌کند. در زبان پهلوی منتر بزشگ (mansr-bizišg) خوانده می‌شد.

گونه‌ی آخری یعنی همین روان پزشک، برترین و ارجمندترین گونه بوده است، زیرا بدون هیچ رنج و آزار و بیماری، امراض را درمان می‌کرده است.^(۶)

اوستا کتاب مقدس زرتشتیان که به منزله‌ی فرهنگ‌نامه بوده است شامل بیش‌تر علوم از قبیل پزشکی، ستاره‌شناسی، حکمت، علم مبدأ، معاد، تکوین، امور اجتماعی، حقوقی، علوم طبیعی و فقه می‌باشد و مطالب گوناگونی درباره‌ی دانش پزشکی را بیان می‌کند.

در فرودین یشت (بند ۲۵) از حکیمی به نام سننا (saena) نام برده شده که حوزه درسی داشته و دانشجویانی به گرد او جمع شده و نیز در اوستا از یک پزشک ایرانی (تهرتیا) که در «وندیداد» او را «بهی خواه نوع بشر» خوانده، یاد شده که او ویژگی‌های گیاهان و نباتات را می‌دانسته و به وسیله‌ی آن‌ها بیماران را معالجه می‌کرده است. در همین کتاب مقدس (اوستا) بسیاری از امراض مانند: تب‌های مختلف، مخملک، دمل، خارش، ضعف اعصاب، لرز، سنگ مثانه، زخم و انواع دیگری از ناخوشی‌ها نام برده شده که دلالت بر وجود پزشکان کاردانی دارد که این دردها را تشخیص داده و معالجه می‌نمودند.^(۷)

در فرودین یشت کرده (۲۹ بند ۱۴۱) بر ضد امراض جَرَب و تب و غیره از فَرَوهر



استفاده از گیاهان دارویی برای معالجه، اگر در این راه موفق به درمان بیمار نمی‌شدند، به عنوان آخرین راه «داغ کردن و جراحی» را به کار می‌بردند. ضرب المثل معروف عربی: *آخَرَ الدَّوَاءِ الْكَيْ* (آخرین دارو و درمان داغ کردن است). در همین رابطه وارد حوزه ادبیات و فرهنگ گردیده است.

در اساطیر و داستان‌های حماسی، سیمرغ با علم پزشکی و داروشناسی و درمان‌گری پیوند دارد و همین مرغ است که نخستین بار رستم را با کارد پزشکی (جراحی) از رودابه می‌زایاند؛ نکته‌ای نغز و نیک و شایسته‌ی بر رسیدن و درنگ کردن در زادن رستم، چگونگی زادن او است. آن چه سیمرغ که در نماد شناسی باستانی ایران نشانه‌ی راز آلود فرزاندگی و پزشکی است، فرموده است و موبد چیره دست مو به مو آن را به انجام رسانیده است. روشی است که در این

روزگار. که روزگار پیشرفت‌های شگفتی آور پزشکی است، در زایمان‌های دشوار به کار برده می‌شود و آن را «سزارین» می‌نامند، زیرا گفته می‌شود که نخستین بار «سزار» امپراتور مشهور و بزرگ روم به این شیوه زایانده شده است. اما راست آن است که بر پایه‌ی نوشته‌های شاهنامه، صدها سال پیش از این پادشاه رومی

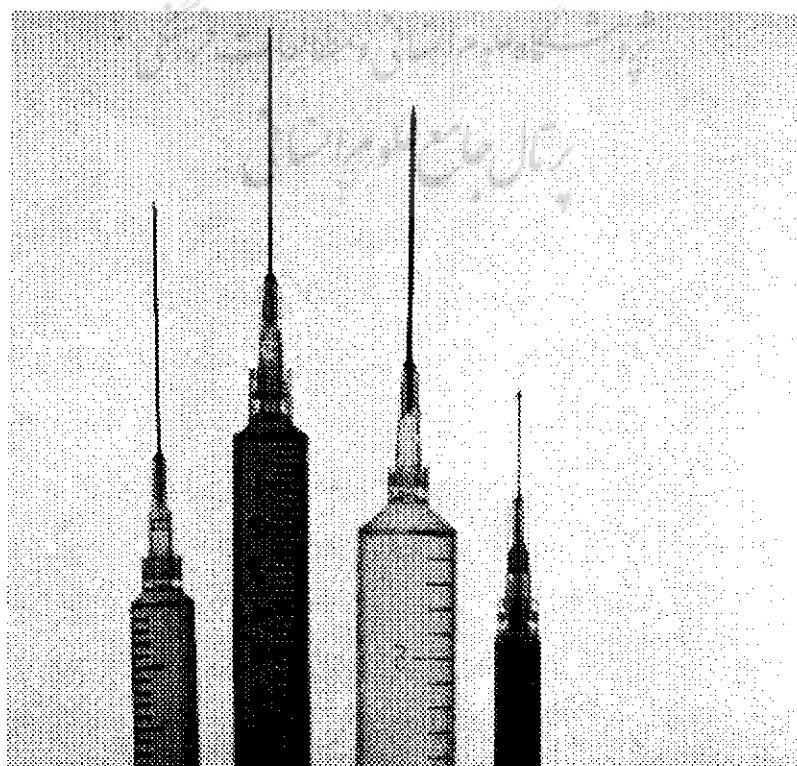
تهیه کرد و به بیماران تجویز نمود. تأکید و پیشنهادی که در اوستا نسبت به نگاهداری، تولید، پرورش و معالجه‌ی حیوانات سودمند در آیین مزداهرستی شده، وسیله‌ای برای آموزش و پرورش دام پزشکان گردید تا حیوانات اهلی و سودمند را چنان‌چه مریض شوند، معالجه نمایند و دامپزشکان هم چون سایر پزشکان دستمزدی فراخور ارزش و سودمندی حیوان مورد نظر را که معالجه می‌کردند دریافت می‌داشتند.^(۸)

سیر تاریخی چنین بوده که ابتدا اهریمن و دیوان و شیاطین و ارواح نامرئی و خبیثه را سبب بروز اصلی بیماری می‌دانستند و درمان آن را توسل به اوراد و دعا و آیین‌های ویژه می‌دانستند. بعدها کم کم به علت‌های طبیعی بیماری‌ها پی بردند و راه و چاره و درمان را هم از طبیعت و گیاهان دارویی می‌دانستند. پس از

در جامعه‌ی مزداهرستان شروع کند. اگر جراحی یک مزداهرست را جراحی کرده و نمی‌توانست وی را درمان کند، مجرم اعلام شده و کیفرش آن بود که به عمد کسی را مجروح کرده است.^(۶)

دستمزد پزشکان در (فرگرد هفتم بند ۴۱ از کتاب وندیداد) آمده: دستمزد آنان با توجه به وضع بیمار که از چه طبقه‌ای بوده پول دار یا بی پول تفاوت می‌کرد. دستمزد به دام و چهارپا و جنس پرداخت می‌شد. از دریافت پول خبری نبود و این شاید مربوط به دیرینه‌گی قوانین جامعه باشد که پول هنوز رواجی نداشته است. معالجه‌ی رییس خانواده، یک گاو نامرغوب. رییس ناحیه، یک گاو متوسط و رییس بخش و شهر یک گاو مرغوب تعیین شده بود. برای درمان همسر رییس خانواده یک الاغ ماده شیرده و همسر رییس برزن، آستر و رییس شهر یک شتر بود.^(۷) دام پزشکان نیز حقوقی معین داشتند و اجناسی که دریافت می‌کردند، برابر زحمت آنان متفاوت بود.

برای بیماری‌های سخت درمان مجلس مشاوره پزشکی تشکیل می‌شد و مزداهرستان معتقد بودند که اهورامزدا میلیون‌ها گیاه مفید برای سلامتی و مداوای بشر آفریده است که می‌توان از شیره این گیاهان، داروهای شفابخش



، جهان پهلوان بزرگ ایران با بهره جستن از کارڈ پزشکی ، دیده به دیدار جهان برگشوده است.

از این روی ، آن چه بی گمان ما ایرانیان را می سزد که فرزندان فردوسی باشیم و پروردگان در دامان شاهنامه و نازندگان به فرهنگ گران سنگ و دیرمان و درخشان ایران، آن است که این شیوه در زایمان را به جای «سزارینه» ، رستم زاد یا رستم زایی یا رستمانه بنامیم.^(۹) بعضی از صفت‌هایی که در اوستا و دیگر کتاب‌های مذهبی زرتشتی و شاهنامه به سیمرغ نسبت داده شده، بیش‌تر رنگ انسانی دارد، مانند: چاره‌گری، پزشکی و یا سخن گفتن. آمیختگی صفت‌های یک انسان خاص با ویژگی‌های یک مرغ در اساطیر سابقه دارد. برای تحلیل و درک شخصیت انسانی سیمرغ باید توجه داشت که در روزگاران کهن ، موبدان علاوه بر کارهای روحانی و دینی، شغل پزشکی را نیز بر عهده داشتند. انعکاس همین امر است که سیمرغ به گاه زادن رودابه، دستور می‌دهد تا موبدی را برای جراحی او فرا خوانند، و آن گاه خود در این عمل دشوار پزشکی شرکت و نظارت می‌کند. پادشاهان اساطیری ایران در عین حال که ریاست مذهبی قوم خویش را برعهده داشتند، فرمانروایی ، امور پزشکی و جادوگری را هم به عهده داشتند.^(۱۰) مثلاً جمشید ضمن آموختن کارهای اجتماعی و راه و رسم زندگی به مردم، پزشکی را نیز به آنان یاد می‌دهد.

تکته‌ی جالب دیگر این است که درخت ایشان سیمرغ هم با پزشکی ارتباط دارد. این درخت دارای داروهای نیک و داروهای مؤثر برای درمان بیماری‌ها است و آن را ویسپویش (همه را درمان بخش) خوانند. در کتاب بند هشن آمده: درخت بس تخمه میان دریای فراخکرت رویده است و تخم همه‌ی گیاهان بدوست (به دو) باشد که او را نیکو پزشک باشد که کوشا پزشک باشد که همه پزشک خوانند (بند ۱۵۱ فصل ۹).

پزشکان فرزانه گرد آمدند
ز هرگونه نیرنگ ها ساختند
به سان پزشکی پس ابلیس، تفت
بدو گفت کاین بودنی کار بود
خودش ساز و آرامشان ده به خورد

در توصیف این درخت آمده است: دارای داروهای مؤثر ، دارای داروهای نیک ، هماک پزشک (پزشک و درمان و داروی همه چیز) ، دور کننده غم، که همگی با علم پزشکی ارتباط دارند.^(۱۲)

در شاهنامه‌ی فردوسی پس از جمشید پادشاه پیشدادی که نخستین پزشک به شمار می‌رود، در داستان ضحاک، با ابلیس و اهریمنی مواجه می‌شویم که خود را به صورت پزشکی کاردان در آورده است.

این دیو نخستین بار در پیکر و آرایش خوالی گری (آشپزی) چرب‌دست و ماهر به نزد ضحاک می‌آید و او را با خوراک‌های گوشتین می‌پرورد و ضحاک هم به پاداش این خوالی‌گری ماهرانه و کاردانی زیرکانه،

دیو را وامی‌نهد که بر شانه‌هایش بوسه زند. از جای بوسه‌های دیو دو مار بر می‌رویند و چاره‌سازان و درمان‌گران همه حیران و سرگرداندند و کاری از آنان ساخته نیست. در همین موقع این دیو (ابلیس) با چهره‌ای متفاوت، چون پزشکی فرزانه به نزد ضحاک می‌رود و او را اندرز می‌دهد که ماران رسته بر دوشش را ندروند و از مغز سر آدمیان خورش سازند و به آنان دهند تا آرام گیرند.

همه یک به یک داستان‌ها زدند
مر آن درد را چاره نشناختند
به فرزانیکی نزد ضحاک رفت
بمان تا چه گردد نباید درود
باید جز این چاره‌ای نیز کرد

ب ۵۱۹-۵۱۵ ج ۱

اهریمن به صورت‌های گوناگون نمایان می‌شود و چون رهایی آفرینش را از بند آلائش و آمیختگی بر نمی‌تابد، آرامن نمی‌ماند.

مورد دیگر که با دانش پزشکی ارتباط دارد. «ظاهر شدن اهریمن در پیکر ماری نمادین است که از فرود گاو سر، سر بر می‌آورد تا درنگی در کار بیفکند. شاید همین نماد را در نشانه‌ی پزشکی و درمان که دو مارند و سر در جایی فرو کرده‌اند ، بتوان یافت. با پزشکی تن را از بیماری‌ها و گزنده‌ها پاس می‌دارند. تن (جسم) در باورهای باستانی خاکی و فرودین است. و در پیوند با اهریمن، تن اهریمنی جان مینوی را به بند کشیده



پی نوشت:

- ۱- تمدن هخامنشی، دکتر علی سامی، ج ۱ ص ۲۸۹
- ۲- پزشکی در ایران پیش از اسلام. یورگن هامپل به نقل از نامه باستان، دکتر میرجلال الدین کزازی ج ۱ ص ۴۴۷
- ۳- یشتها. ج ۲. پور داوود ص ۵۹.
- ۴- همان. ص ۱۱۰
- ۵- وندیداد. هاشم رضی. ج ۱ ص ۱۵۴
- ۶- همان
- ۷- همان
- ۸- مآخذ شماره یک ص ۲۹.
- ۹- نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی ج اول. میر جلال الدین کزازی ص ۴۴۸)
- ۱۰- سیمرخ در قلمرو فرهنگ ایران، دکتر علی سلطانی گردفرامری ص ۲۲
- ۱۱- شماره ابیات براساس کتاب نامه باستان می‌باشد.
- ۱۲- بند هشتن، فرنیغ دادگی، مهرداد بهار، ص ۳۲
- ۱۳- مازهای راز، دکتر میرجلال الدین کزازی، ص ۴۷
- ۱۴- وندیداد، هاشم رضی، فرگرد ۲۲ ج ۴ ص ۱۸۷۳

از اندیشمندان و نویسندگانی که علاقه‌مند به همکاری علمی و فرهنگی با مجله‌ی فردوسی هستند درخواست می‌کنیم:

- ۱- از ارسال مطالب تکراری خودداری فرمایند، مگر در صورتی که نگاهی تازه‌تر از آن چه که پیش‌تر چاپ شده است، داشته باشند.
- ۲- مطالب ارسالی را با خطی خوانا و یا تایپ شده و در صفحه‌ی آ- چهار تهیه نموده و در هر صفحه بیش از ۱۸-۱۶ سطر نوشته نشود.
- ۳- اصل نوشته را با امضای نویسنده در زیر تمام صفحه‌ها برای مجله ارسال دارند.
- ۴- ذکر مآخذ و منابع و نشان‌ها در مقاله‌هایی که زحمت تهیه‌ی آن را عهده دار می‌شوید، الزامی است.
- ۵- شیوه نگارش ویژه مجله‌ی فردوسی که عبارت است از: ناپیوسته نویسی، فارسی نویسی، به کار نبردن واژگان بیگانه، جمله نویسی کوتاه، کوتاه نویسی، اما پر بار نویسی و..... رعایت شود. در شماره‌های نخستین مجله‌ی فردوسی آیین ویژه فارسی نویسی چاپ شده است.
- ۶- نگارش معادل‌های لاتین کلمه‌ها و اسم‌هایی که خواندن آن‌ها ایجاد مشکل می‌کند، ضروری است.
- ۷- ارسال عکس‌های مناسب مقاله یا پژوهش به همراه مقاله.
- ۸- ذکر نام و امضاء و نشانی و تلفن کامل نویسنده در پایان مقاله الزامی است.

است. برای پروردن جان، تن را باید خوار داشت. پزشکی نیز دانش تن است که اهریمنی است، از این روی شاید بتوان انگاشت، که مار که نماد اهریمن است، نشانه‌ی راز آمیز پزشکی شده است.^(۱۳) پرورش و تقویت جان و روح که وظایف عده‌ای از پزشکان به نام «فراروانی» یا فراروان پزشکی بوده، به وسیله‌ی خواندن بخش‌هایی از کتاب مقدس اوستا و «باز» و ورد و دعا و نماز و عبادت‌های ویژه صورت می‌گرفته است که نمونه‌ای از آن نماز airyaman Íshya است که ضد ناخوشی‌ها و بیماری‌ها خوانده می‌شود. «آئیریامن در اصل نام فرشته‌ای است که درمان و شفا می‌بخشد: «در وندیداد فرگرد ۲۲ آمده: اهورامزدا به یاری این فرشته ۹۹/۹۹۹ ناخوشی که اهریمن به وجود آورده بود، را شفا بخشید. این فرشته به فرمان اهورامزدا از جهان مینوی فرود آمد و برای هر یک از ناخوشی‌هایی که اهریمن به وجود آورده بود، درمانی آورد و در واقع باید آن را نخستین پزشکی دانست که دارو و درمان بیماری‌ها به او سپرده شده است.»

پایان

****توضیح:** مجله‌ی فردوسی بیش‌ترین سپاس خود را تقدیم پژوهش‌گر جوان و خردمند دکتر هاشم محمدی به خاطر این مطلب پر بار و ارزشمند می‌نماید.



- است. برای پروردن جان، تن را باید خوار داشت. پزشکی نیز دانش تن است که اهریمنی است، از این روی شاید بتوان انگاشت، که مار که نماد اهریمن است، نشانه‌ی راز آمیز پزشکی شده است.^(۱۳)
- پرورش و تقویت جان و روح که وظایف عده‌ای از پزشکان به نام «فراروانی» یا فراروان پزشکی بوده، به وسیله‌ی خواندن بخش‌هایی از کتاب مقدس اوستا و «باز» و ورد و دعا و نماز و عبادت‌های ویژه صورت می‌گرفته است که نمونه‌ای از آن نماز *airyaman Íshya* است که ضد ناخوشی‌ها و بیماری‌ها خوانده می‌شود. «آئیریامن در اصل نام فرشته‌ای است که درمان و شفا می‌بخشد:» در وندیداد فرگرد ۲۲ آمده: اهورامزدا به یاری این فرشته ۹۹/۹۹۹ ناخوشی که اهریمن به وجود آورده بود، را شفا بخشید. این فرشته به فرمان اهورامزدا از جهان مینوی فرود آمد و برای هر یک از ناخوشی‌هایی که اهریمن به وجود آورده بود، درمانی آورد و در واقع باید آن را نخستین پزشکی دانست که دارو و درمان بیماری‌ها به او سپرده شده است.
- پایان**
- **توضیح:** مجله‌ی فردوسی بیش‌ترین سپاس خود را تقدیم پژوهش‌گر جوان و خردمند دکتر هاشم محمدی به خاطر این مطلب پر بار و ارزشمند می‌نماید.
- از اندیشمندان و نویسندگانی که علاقه‌مند به همکاری علمی و فرهنگی با مجله‌ی فردوسی هستند درخواست می‌کنیم:
- ۱- از ارسال مطالب تکراری خودداری فرمایند، مگر در صورتی که نگاهی تازه‌تر از آن چه که پیش‌تر چاپ شده است، داشته باشند.
 - ۲- مطالب ارسالی را با خطی خوانا و یا تایپ شده و در صفحه‌ی آ - چهار تهیه نموده و در هر صفحه بیش از ۱۸-۱۶ سطر نوشته نشود.
 - ۳- اصل نوشته را با امضای نویسنده در زیر تمام صفحه‌ها برای مجله ارسال دارند.
 - ۴- ذکر مأخذ و منابع و نشان‌ها در مقاله‌هایی که زحمت تهیه‌ی آن را عهده دار می‌شوید، الزامی است.
 - ۵- شیوه نگارش ویژه مجله‌ی فردوسی که عبارت است از: ناپیوسته نویسی، فارسی نویسی، به کار نبردن واژگان بیگانه، جمله نویسی کوتاه، کوتاه نویسی، اما پر بار نویسی و..... رعایت شود. در شماره‌های نخستین مجله‌ی فردوسی آیین ویژه فارسی نویسی چاپ شده است.
 - ۶- نگارش معادل‌های لاتین کلمه‌ها و اسم‌هایی که خواندن آن‌ها ایجاد مشکل می‌کند، ضروری است.
 - ۷- ارسال عکس‌های مناسب مقاله یا پژوهش به همراه مقاله.
 - ۸- ذکر نام و امضاء و نشانی و تلفن کامل نویسنده در پایان مقاله الزامی است.
- پی نوشت:**
- ۱- تمدن هخامنشی، دکتر علی سامی، ج ۱ ص ۲۸۹
 - ۲- پزشکی در ایران پیش از اسلام. یورگن هامپل به نقل از نامه باستان، دکتر میرجلال الدین کزازی ج ۱ ص ۴۴۷
 - ۳- یشتها. ج ۲. پور داوود ص ۵۹.
 - ۴- همان. ص ۱۱۰
 - ۵- وندیداد. هاشم رضی. ج ۱ ص ۱۵۴
 - ۶- همان
 - ۷- همان
 - ۸- مأخذ شماره یک ص ۲۹.
 - ۹- نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی ج اول. میر جلال الدین کزازی ص ۴۴۸)
 - ۱۰- سیمرخ در قلمرو فرهنگ ایران، دکتر علی سلطانی گردفرامری ص ۲۲
 - ۱۱- شماره ابیات براساس کتاب نامه باستان می‌باشد.
 - ۱۲- بند هشتن، فرنیغ دادگی، مهرداد بهار، ص ۳۲
 - ۱۳- مازهای راز، دکتر میرجلال الدین کزازی، ص ۴۷
 - ۱۴- وندیداد، هاشم رضی، فرگرد ۲۲ ج ۴ ص ۱۸۷۳